

فرهنگ اعلام تاریخ اسلام در پوکه نقد



حاضران:

سید کاظم حافظیان،
منتقد و دبیر جلسه



سید غلامرضا تهامی،
مؤلف فرهنگ اعلام تاریخ اسلام؛



حسن محبوب،
مدیرعامل شرکت سهامی انتشار؛



عبدالله انوار،
نسخه‌پژوه و منتقد؛



اشاره:

فرهنگ «اعلام تاریخ اسلام» که از نوع دایرةالمعارف‌های تخصصی است مشتمل بر ۲۸۵۰+ مدخل، جامع‌ترین فرهنگ زندگینامه‌ای شخصیت‌های جهان اسلام محسوب می‌شود که تاکنون به زبان فارسی تدوین و تنظیم شده است. موضوع این اثر چنان که از عنوان آن پیداست، شخصیت‌های مشهور مسلمان در سراسر دنیای اسلام از آغاز عصر رسالت تا پایان سال ۱۴۰۰ هجری قمری است. افزون بر عناوین، نام بیش از ۳۲ هزار کتاب و شناخت کوتاه بیش از شش هزار شهر، روستا، محله و دیگر اماکن نیز در آن آمده است. فرهنگ «اعلام تاریخ اسلام» جزو کتاب‌های برگزیده سال ۱۳۸۶ نیز بوده است. با توجه به اهمیت این فرهنگ، در این شماره، به نقد و بررسی این اثر ارزشمند پرداخته‌ایم.

کتاب ماه
اطلاعات ارتباطات و دانش‌شناسی
کلیات



فرهنگ «اعلام تاریخ اسلام» که از نوع دایرةالمعارف‌های تخصصی است مشتمل بر ۲۸۵۰۰ مدخل، جامع‌ترین فرهنگ زندگینامه‌ای شخصیت‌های جهان اسلام محسوب می‌شود

حافظیان: کتاب فرهنگ اعلام تاریخ اسلام تألیف سید غلامرضا تهامی را شرکت سه‌گانه انتشار به چاپ رسانده است. این کتاب سال گذشته در بخش «کلیات» کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، برگزیده شد و مورد استقبال پژوهشگران قرار گرفت. سنت بسیار خوبی که کتاب ماه کلیات از دو سال گذشته در پیش گرفته، این است که کتاب‌های برگزیده سال را در حوزه کلیات در نشست با حضور مؤلفان، داوران، ناشر و منتقدان نقد و بررسی می‌کند و گزارش آن در مجله چاپ می‌شود. در این نشست نیز کتاب فرهنگ اعلام تاریخ اسلام نقد و بررسی خواهد شد. در آغاز از آقای تهامی می‌خواهم که ضمن معرفی خودشان، ضرورت تألیف این اثر را بیان کنند.

انگلیسی و عربی این مجله را با هم تطبیق می‌دادم، کاری بسیار سنگین و سودمندی بود. هنگامی که در کنکور دانشکده حقوق قبول شدم، اولین استادی که سر کلاس آمد، استاد زبان انگلیسی ما بود و اسم سه نفر، از جمله بنده، را برد که بالاترین نمره‌های زبان را کسب کرده بودند و پرسید که شما خارج از ایران درس خواندید؟ دو نفر گفتند بله، ولی من تا آن روز خارج از ایران را ندیده بودم و حاصل زحمت خودم و با کمک گرفتن از مقالات مجله بود.

تهامی: زمانی که در تهران تحصیل می‌کردم، با توجه به اینکه پدرم روحانی بود، تأمین زندگی من در تهران برای ایشان امکان‌پذیر نبود، من در هفته‌نامه ایران ما و خواندنی‌ها و بعد از آن در بنگاه ترجمه و نشر کتاب کار می‌کردم. زبان عربی را در حوزه علمیه آموخته بودم و سه سال ملبس به لباس روحانیت بودم. زبان انگلیسی را در مؤسسه فرهنگی بریتانیا و انجمن فرهنگی ایران و آمریکا آموختم و جا دارد که اضافه کنم که مجله‌ای به نام ریترز دیجست^۱ بود که در دنیا بسیار شهرت داشت و به زبان‌های مختلفی از جمله با عنوان المختار من ریترز دیجست به زبان عربی منتشر می‌شد. من نسخه‌های



تهامی:
وقتی فرد چیزی به ذهنش خطور می‌کند یا در مطالعه کتابی به واژه دشواری برمی‌خورد و نیاز دارد که به منبعی مراجعه کند، آن منبع می‌تواند لغت‌نامه یا یک شرح حال و نظایر آن باشد

ایران هم، به‌خصوص درباره کتاب‌های مرجع، بدین شکل است، زیرا کتاب مرجع کتابی نیست که شخص آن را از ابتدا تا انتها مطالعه کند و حجم بالایی هم دارد، بنابراین فقط در مواقع نیاز از آن استفاده می‌شود.

من مطلبی را از مرحوم مصاحب درباره این نوع آثار نقل کرده‌ام که وقتی فرد چیزی به ذهنش خطور می‌کند یا در مطالعه کتابی به واژه دشواری برمی‌خورد و نیاز دارد که به منبعی مراجعه کند، آن منبع می‌تواند لغت‌نامه یا یک شرح حال و نظایر آن باشد. از جمله فرهنگ‌هایی که در ایران وجود دارد، یکی لغت‌نامه دهخداست که محدودیت ندارد و در آن مفهوم لغت، وصف اماکن، شرح حال اشخاص، مسائل علمی، دینی، ادبی، تاریخی و جغرافیایی دیده می‌شود که من در زبان انگلیسی و عربی مشابه آن را ندیده‌ام. فرهنگ معین، فرهنگ مصاحب و ریحانة الادب مرحوم مدرس تبریزی نیز از جمله فرهنگ‌های دیگر است. این منابع در زبان فارسی در اختیار بود و از میان آنها هم فقط فرهنگ معین و فرهنگ مصاحب اصول اختصار و استاندارد فرهنگ‌نگاری را رعایت کردند. ریحانة الادب کتاب بسیار پربرهه‌ای است، اما فقط به شرح حال علما و شعرا و ادبا پرداخته و به اختصار از خانواده‌های سلطنتی و حکومتی گذشته است.

در ویراستاری آثاری که انجام می‌دادم، می‌دیدم که اغلب به کتاب اعلام زرکلی ارجاع داده می‌شود که از مشهورترین منابع زندگینامه‌ای جدید در زبان عربی و جهان عرب است و فکر می‌کنم ۱۵ بار تجدید چاپ شده و شاید ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار نسخه از آن منتشر شده باشد. از منابع دیگری که بدان‌ها زیاد مراجعه می‌شد، در زبان عربی کتاب معجم المؤلفین عمررضا کحّاله و در زبان انگلیسی فرهنگ‌های آمریکانا و بریتانیکا بودند. در زبان فارسی فرهنگی که این جامعیت را داشته باشد، نبود. البته منظور من از جامعیت این نیست که آنچه در آن هست، در بقیه نیست. می‌گویند وقتی ابوالفرج اصفهانی کتاب الاغانی را نوشت، ابن عباد، وزیر معروف، گفته بود که من هر سفری که می‌رفتم، ده شتر بار کتاب با خود می‌بردم که در راه مطالعه کنم. ولی از وقتی که کتاب الاغانی تألیف شده است، فقط همین کتاب را می‌برم. اما تجربه‌ای که من دارم، آن است که هیچ کتابی جای هیچ کتاب دیگری را نمی‌گیرد. چون من در زبان فارسی

کتابی که فقط درباره شخصیت‌های تاریخ اسلام تألیف شده باشد ندیدم، این کتاب را تألیف کردم. این کتاب تنها فرهنگ علما و امرای اسلام و یا شخصیت‌های اسلامی نیست، با اینکه ۹۸ درصد آنها مسلمان هستند، اما نام بیشتر شخصیت‌هایی که با تاریخ اسلام ارتباط داشتند، در این کتاب آمده است. فرض کنید هولاکوخان مغول، چنگیزخان و خیلی از علمای یهودی و مسیحی که کار آنها در حوزه فرهنگ اسلامی بوده است یا با علمای اسلام ارتباط بسیار نزدیکی داشتند، در این فرهنگ نام آنها آورده شده است. فرض من این بوده که اگر کسی هنگام مطالعه کتابی درباره تاریخ ادبی، فرهنگی و فلسفی ایران و کشورهای اسلامی با نامی روبه‌رو شد و در ضبط یا شناخت آن مشکل داشت، آن نام و ضبط و شرح آن در این کتاب باشد.

تلاش من بیشتر ضبط صحیح نام‌ها بود. مسئله تلفظ صحیح که در فارسی ما به آن اعراب‌گذاری می‌گوییم، یعنی اینکه روی هر حرف کلمه علامت گذاشته شود تا تلفظ آن مشخص گردد، برای مثال در کلمه محمد روی «میم» ضمه، روی «ح» فتحه و روی «میم» دوم فتحه و تشدید بگذارند. در همین کتاب با افراد زیادی روبه‌رو می‌شویم که اسم آنها محمد است و نه محمد، که خودم اصلاً تصور آن را هم نداشتم و از روی منابعی نوشتیم که قید می‌کند به فتح اول و ثانی و ثالث. در ضبط اسلامی، علامت حروفی را که مسلم بود و در کتاب‌های جغرافیایی یا انساب قید شده بود، ذکر کردم و آنهایی هم که قید نشده بود، بدون علامت آوردم.

این کتاب در مرحله چاپ دوم است و نزدیک به دو ماه روی آن کار کردم و غلط‌نامه‌ای در آوردم و با توجه به اینکه هزینه‌های چاپ بسیار بالاست، نمی‌توانستیم آن را کامل تجدید چاپ کنیم و به‌ناچار برای آن غلط‌نامه تهیه کردیم. من در میان ۲۱۵۶ صفحه رحلی این کتاب و ۲۸۵۰۰ مدخل که در این کتاب آمده، نزدیک به ۳۰۰ غلط چاپی یادداشت کردم. ۷۰ یا ۸۰ غلط چاپی هم وجود داشت که معمولاً خواننده درباره تاریخ‌ها و اسامی متوجه این اشتباهات نمی‌شود. این کتاب اولین فرهنگی است که هم ناشر و هم مؤلف جرئت کرده‌اند که به وجود حداقل ۷۰ یا ۸۰ غلط بزرگ در آن اعتراف کنند که خواننده متوجه آن نمی‌شود، اما به‌ازای این ۲۰۰ یا ۳۰۰ غلط چاپی

کتابخانه اطلاعات ارتباطات دانش‌ساز

و ۷۰ یا ۸۰ غلط مهم که در چاپ دوم اصلاح شده، من فقط به اجمال متذکر می‌شوم که در صحیح‌ترین و دقیق‌ترین فرهنگ‌های مشابه، با رعایت تعداد اسامی و اعلام، شماره اغلاط چاپی یا غفلت‌های مؤلف چندین برابر فرهنگ حاضر است که ترجیح می‌دهم از تفصیل موضوع خودداری کنم. در فرهنگ معین بارها و بارها خواننده به نامی دیگر ارجاع داده می‌شود، ولی وقتی شما به مرجوع الیه مراجعه می‌کنید، می‌بینید که آن اسامی وجود ندارد. در لغت‌نامه دهخدا شرح حال یک اسم با یک تفاوت کوچک چهار تا پنج بار تکرار می‌شود. کتاب فرهنگ اعلام تاریخ اسلام در مقایسه با منابع مشابه دقیق‌ترین و صحیح‌ترین فرهنگ است.

حافظیان: شرکت سهامی انتشار با سابقه درخشانی که دارد، آثار بسیار گرانسنگی را تقدیم جامعه فرهنگی ایران کرده که قابل تقدیر است. شجاعت نشر چنین اثری با توجه به اینکه نمی‌توان پیش‌بینی کرد که چه استقبالی از آن خواهد شد و در عین حال سرمایه‌گذاری زیادی می‌طلبد، جای ارجح‌گذاری دارد. خوشبختانه کتاب به چاپ دوم رسیده و مورد اقبال قرار گرفته است و امیدواریم به چاپ‌های بعدی نیز برسد. آقای محبوب چه عواملی موجب شد که انتشار چنین اثری را قبول کنید.

محبوب: شغل بنده ابتدا کتابداری بود و در کتابخانه مجلس سنای سابق کار می‌کردم. بنابراین به اهمیت برخی از کارهایی که برای چاپ و نشر به شرکت ارجاع داده می‌شد تا حدی واقف بودم. یادم هست وقتی که کتاب داستان راستان شهید مطهری را چون اسامی و اعلامی در این کتاب ذکر شده بود، چاپ می‌کردیم، تأکید کردم که یک فهرست اعلام برای پایان این کتاب تهیه شود، در حالی که گاهی چنین کاری برای کتاب‌های مهم تاریخی یا کتاب‌هایی که فهرست اعلام از ضروریات آن بود، صورت نمی‌گرفت. اما ما برای کتاب داستان راستان فهرست اعلام تهیه کردیم. بنابراین وقتی کتاب فرهنگ اعلام تاریخ اسلام به ما ارجاع داده شد، با آن بیگانه نبودم و همچنین شناختی درباره درجه علمی آقای تهامی داشتم. کار تهیه و حروف‌چینی آن چند سال طول کشید و خوشبختانه کتاب چاپ شد و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت.

حافظیان: خاطر مهم هست در جلسه‌ای که برای بررسی و داوری کتاب فرهنگ اعلام تاریخ اسلام برای انتخاب کتاب سال حوزه کلیات داشتیم، استاد عبدالله انوار کتاب را برای بررسی پذیرفتند و در فرم داوری به تمام پرسش‌ها با حوصله و دقت پاسخ داده و امتیازات خوبی هم به کتاب دادند. آقای انوار نظراتان را درباره این فرهنگ بیان کنید.

انوار:

در فرانسه لانسون، رئیس دانشسرای عالی پاریس، تمام کتاب‌های نویسندگان فرانسه را مطالعه کرده و چکیده فکر هر نویسنده را از این کتاب‌ها استخراج و تحلیل کرده است. ما هم در ایران باید برای اعلام خود همین کار را انجام دهیم

انوار: وقتی که کتاب فرهنگ اعلام تاریخ اسلام در جلسه داوری کتاب سال مطرح شد، چون من سال‌ها در مؤسسه لغت‌نامه دهخدا کار می‌کردم و با این‌گونه آثار آشنایی داشتم، داوری و بررسی این فرهنگ به من واگذار شد. من پیش از آن با اعلام زرکلی سروکار داشتم. بنده فرهنگ اعلام را دو هفته خواندم و اغلاطی از آن گرفتم که آقای تهامی گفتند که آنها را اصلاح کردند. این فرهنگ انصافاً کتاب مرجع بسیار خوبی است و اگر کسی بخواهد درباره یکی از اعلام اطلاعاتی کسب کند، می‌تواند از آن استفاده کند. مراجعی که برای این کتاب ارجاع داده شده، بسیار خوب و مورد استفاده هستند.

در ایران همانند کارهایی که درباره دانشمندان و نویسندگان اروپا شده، کاری صورت نگرفته است. در فرانسه لانسون، رئیس دانشسرای عالی پاریس، تمام کتاب‌های نویسندگان فرانسه را مطالعه کرده و چکیده فکر هر نویسنده را از این کتاب‌ها استخراج و تحلیل کرده است. ما هم در ایران باید برای اعلام خود همین کار را انجام دهیم.

حافظیان: نکته‌ای را می‌خواستم درباره مآخذ کتاب فرهنگ اعلام تاریخ اسلام مطرح کنم. جمعی از کتابداران در کتابخانه ملی ایران سال‌ها پیش کتاب فهرست مستند اسامی مشاهیر را تألیف و منتشر کردند که بیشتر به اسم اشهر افراد توجه دارد و این کار به دلیل فهرست‌نویسی آثار در کتابخانه ملی ایران همچنان ادامه دارد. آقای تهامی چرا در فهرست منابع کتاب شما به چنین اثری اشاره نشده است؟

تهامی: علت آن شاید محدوده زمانی است که به استثنای امام خمینی (ره) که شاید تنها کسی است که در طول تاریخ اسلام سیاست، دین، فقه و عرفان را با هم جمع



انوار:
در ایران همانند
کارهایی که درباره
دانشمندان و
نویسندگان اروپا شده،
کاری صورت نگرفته
است

داشته باشد، شرح حال دیگر کسانی را که در پایان سال ۱۴۰۰ ق. زنده بوده‌اند، نیآورده‌ام. زرکلی در مقدمه کتاب خود می‌نویسد که یکی از مشکلات من این است که برای کسی که زنده است، جرئت نمی‌کنم که شرح حال بنویسم. اگرچه برای بسیاری از امرای عرب نوشته و بعد پشیمان شده است. من اگر درباره شخصیت‌های زنده می‌نوشتم، هم برای خود و هم برای آنها دردسر بود. درباره فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان باید بگویم که آن را ندیدم. من قبلاً هم گفتم که هیچ کتابی جای هیچ کتابی را نمی‌گیرد. مثلاً کتاب معجم المؤلفین عمررضا کحاله را آورده‌ام، در حالی که کتاب غنی و پربری نیست، ولی به این دلیل آمده که از نظر منابع و مراجع ارزش بسیار بالایی دارد، چنانکه مثلاً درباره متنبی بزرگ‌ترین شاعر عرب دوره اسلامی ده سطر و همچنین درباره این سینا حدود ده یا دوازده سطر نوشته، اما بیش از سیصد سطر، آن هم با حروف ریزتر، درباره منابع آنها نوشته است. من صلاح دیدم که به آن اشاره کنم. برای اینکه اگر کسی اطلاعات کلی بخواهد، همین کتاب کافی است. ولی اگر بخواهد تحقیق بیشتری کند، باید به منابع دیگر از جمله منابع مذکور در معجم المؤلفین مراجعه کند. همان‌طور که گفتم مجموعه منابعی که وی ذکر کرده، بیشتر از متن کتاب است.

درباره کتاب تا به امروز که نزدیک یک سال و سه ماه از انتشار آن می‌گذرد، جز در کلیات اظهار نظر خاصی نشده است، ولی انتظار داشتم که اگر اشکالاتی وجود دارد، برای من بفرستند تا در چاپ‌های بعدی اصلاح کنم. به هر حال این کتاب مینا و پایه است برای اینکه نسل‌های آینده آن را بهتر و کامل‌تر کنند. ولی تا این زمان جامع‌تر از این کتاب نداریم.

حافظیان: آقای تهمانی از ضروریات تدوین و تألیف یک کتاب مرجع، داشتن راهنمای استفاده از آن کتاب است که این خود ضرورت بیان جنبه‌های مختلف و ظریفی که در کتاب به کار رفته را گریزناپذیر می‌کند. بنده در مقابل بعضی از اسامی اشهر دیدم که در میان دو قلاب مثلاً درج شده است [زنده ۱۱۳۹ ق.]. ولی در مقدمه به این نکته اشاره نشده است. البته مشخص است که مقصود این است که شواهد تاریخی نشان می‌دهد که آن شخص در آن سال زنده بوده است، ولی شما به آن

اشاره نکرده‌اید. آیا این را جزء بدیهیات می‌دانستید یا در ویرایش جدید آن را توضیح داده‌اید؟

تهمانی: آن را جزء بدیهیات می‌دانستیم و همان‌طور که گفتم کتاب ویرایش جدید نیست، چون هزینه چاپ کتاب بسیار سنگین است. چاپ جدید کتاب به معنای اصلاح اغلاط چاپی است.

حافظیان: آقای محبوب آیا شرکت سهامی انتشار برنامه‌ای دارد که حداقل گروه چند نفره‌ای در کنار استاد تهمانی بتوانند ادامه‌دهنده این کار باشند که تألیف اعلام بعد از ۱۴۰۰ ق. نیز ادامه یابد؟

محبوب: بنده پیشنهاد کردم که اگر ذیل یا مستدرکی درباره این کتاب باشد، حاضریم آن را منتشر کنیم.

حافظیان: منظور من دو وجه کار است. یکی کامل کردن نواقص است، برای مثال بنده نام محمدبن محمد زنگی بخاری (زنده در قرن ۷ ق.)، صاحب بستان العقول فی ترجمان المنقول، را در کتاب نیافتیم یا از معاصران قبل از ۱۴۰۰ ق. سیدعلی قاضی طباطبائی (۱۲۴۷-۱۳۲۵ ش.) را در کتاب ندیدم که پس از اعلام به مؤلف در ویرایش بعدی خواهد آمد. وجه دیگر نیز ادامه‌دادن کار پس از سال ۱۴۰۰ ق. است که خوب است گروهی روی آن کار کنند و این بسیار خدمت بزرگی است. به هر حال منظور من این است که شروع کار آثار مرجع همت افرادی مانند استاد تهمانی را می‌طلبد، اما ادامه آن یقیناً باید کاری گروهی باشد و ناشر هم خود را ملزم به ادامه کار بداند، مانند کار مرحوم دهخدا و مرحوم مصاحب.

آقای تهمانی در ذیل شرحی که درباره حضرت امام خمینی (ره) نوشته‌اید، به فامیل مصطفوی ایشان هیچ اشاره‌ای نشده است. در حالی که نام خانوادگی ایشان مصطفوی بوده است، آیا ضرورت ندانستید یا در چاپ جدید آن را اصلاح کردید؟

تهمانی: امروزه در سراسر دنیا ایشان را به نام امام خمینی می‌شناسند و به دلیل اشهر بودن با این نام آورده شده است.

کتابخانه اطلاعات ارتباطات دانش‌شناسی

محبوب: معمولاً علما دو اسم دارند، یکی اسم شناسنامه‌ای و دیگری اسم شهر آنهاست.

پرسش و پاسخ

مطلبی: چند نکته به ذهن رسید که اجازه می‌خواهم مطرح کنم. یکی اینکه در این فرهنگ هرچه اعلام قدیم‌تر می‌شوند، میزان توضیحات مدخل‌ها کمتر می‌شود. البته آقای تهامی در مقدمه اشاره کرده بودند که در این دوازده منبع اصلی و ده منبع فرعی که از آن استفاده کردند، اطلاعات نبود، ولی این عدم یکدستی برای خواننده قابل توجیه نیست. نکته بعدی که در مطالعه کتاب متوجه شدم اینکه در مقدمه اشاره شده بود و در متن هم بود که برخی از اعلام که به دو صورت تلفظ می‌شدند، مثلاً در پایین حرف «خ» کسره و در بالای آن ضمه درج شده بود. فکر می‌کنم به دلیل اینکه بسیاری از خوانندگان ما حرفه‌ای نیستند و ممکن است به کتابخانه مراجعه کنند و از این مدخل‌ها استفاده کنند و چون مقدمه را نمی‌خوانند، این مسئله باعث شود که سردرگم شوند. در حالی که اگر داخل پرنتر اشاره می‌شد که این مدخل به این شکل هم ضبط و استفاده شده است، شاید می‌توانست کمک کند. نکته دیگر اینکه آقای تهامی در مقدمه متذکر شده بودند که الف و لام عربی را حذف کردند. مثلاً ابوالحسن به شکل ابوحسن آمده، اما در متن می‌بینیم که به شکل ابوالحسن نیز آمده است که البته شاید در چاپ دوم این اغلاط اصلاح شده باشد. نکته پایانی که شاید خیلی مهم نباشد، ولی برای من به عنوان کتابدار مهم است، اینکه سنت‌شکنی شده بود و منابع و مأخذ همان ابتدا درج شده بود که البته شاید به دلیل اهمیت مسئله باشد. در حالی که براساس استاندارد ایزو منابع و مأخذ باید در انتها درج شوند.

تهامی: شما این فرهنگ را مطالعه کنید، همچنین فرهنگ مصاحب و فرهنگ معین را نیز بخوانید، درباره ائمه شیعه (ع) که بزرگ‌ترین شخصیت‌های تاریخ ما هستند، و زندگی آنها همراه با فعالیت‌های آشکار و متعدد نبوده به ناچار کم نوشتیم و این کار را تنها من انجام ندادم، حتی در کتاب ائمه علامه حلی هم که نگاه کنید، اگر از ذکر معجزات و احادیث بگذرید، مطلب چندانی نمی‌ماند. در این کتاب ما امام هادی (ع) را به عنوان جد حضرت

مهدی (عج) می‌شناسیم و می‌توانیم ده سطر درباره آن پیدا کنیم. در این کتاب من حدیث نیاوردم، چون کتاب حدیثی نیست. کتاب معروف سیر اعلام النبلاء که من با عنوان «سیر» به آن اشاره کردم و ۲۰ جلد است و نویسنده آن، شمس‌الدین ذهبی، بزرگ‌ترین مورخ اسلام است، حجت است و حتی شیعه هم به او استناد می‌کند. او زندگی ائمه تا امام رضا (ع) را ذکر کرده، برای اینکه زندگی ائمه تا امام رضا (ع) دارای مسائل پرحادثه‌ای که بتوان آن را نوشت، نبوده است. مرحوم سیدمحمد صدر می‌گفت که از زمان امام هادی (ع) شروع شده بود که شیعه را به احتجاج یعنی پنهان شدن از مردم و غیبت امام مهدی (عج) عادت دهند. وی دو کتاب بزرگ درباره حضرت حجت (ع) به نام‌های الغیبة الكبرى و الغیبة الصغرى دارند که بخش مفصلی از کتاب وی در این زمینه است. مثلاً از هارون الرشید و مأمون نام می‌بریم و توضیحاتی درباره آنها می‌نویسیم، همچنین امین را هم می‌آوریم و برای آن چهار سطر می‌نویسیم.

دوباره برمی‌گردم به حرف اولم که این کتاب یک مقدمه و یک پایه است که من در تنظیم آن سعی تمام کردم و به‌تنهایی بیش از ۱۲۰ هزار برگه از منابع مختلف تهیه کردم که درباره بعضی افراد به بیش از ۱۲ برگه می‌رسد. محتوای مشترک آنها را به عنوان واقعیات مستند ثبت کردم و موارد اختلاف، همچنین موارد اشتباه چاپی یا سهوالقلم مؤلف را نیز رعایت نمودم.

انوار: اسامی خاص وقتی در زبان‌های مختلف وارد می‌شوییم با حروف الفبای آنها هماهنگ نیست و نمی‌توانند آن را تلفظ کنند، مثلاً عرب‌ها حرف «چ» را نمی‌توانند تلفظ کنند، به همین دلیل این ایرادات به آنها وارد نیست. در جواب آقای مطلبی که گفتند خواننده غیرحرفه‌ای شاید دچار مشکل شود، این را باید بگوییم که کسی که قصد مطالعه چنین کتابی را دارد ابتدا باید مقدمه آن را بخواند تا با شیوه کار نویسنده آشنا شود.

حافظیان: من از حضور استادان بزرگوار و مهمانان گرامی در این نشست تشکر می‌کنم.

پی‌نوشت‌ها:

1. Readers Digest

تهامی:

تلاش من بیشتر ضبط

صحیح نام‌ها بود.

مسئله تلفظ صحیح

که در فارسی ما به آن

اعراب‌گذاری می‌گوییم،

یعنی اینکه روی هر

حرف کلمه علامت

گذاشته شود تا تلفظ آن

مشخص گردد